



دکتر محمود روح‌الامینی

## تحلیلی مردم‌شناسی از پیشه‌وری بازار کرمان

(بروایت و قفنامه گنجعلیخان)

رساله جامع علوم انسانی

مقدمه

وقفنامه گنجعلیخان و همه وقف‌نامه‌ها و بطور اعم تمامی اسناد، قبایله، عقدنامه‌ها، احکام، خاطرات و یادداشت‌ها وصیت‌نامه‌ها و مکاتبات قدیمی که معمولاً جنبه خصوصی دارد و بمنوان مدرک و سند خانوادگی ملکی، هویتی و تفاخری در خانواده‌ها نگاهداری می‌شود از جمله منابعی است که در شناخت خصوصیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سنتی سهمی بسزا دارد.

گوشه‌های فراوانی از سنن اجتماعی و تمدن گذشته را که تغییرات بطئی فرهنگ مادی و معنوی بدست فراموشی سپرده و کتب جغرافیایی و تاریخی و اجتماعی گذشته نیز

۱- آقای دکتر غلامحسین صدیقی در درس «اجتماعیات در ادبیات فارسی» فصلی رایه‌منابع مسایل اجتماعی در مکاتبات و نامه اختصاص داده‌اند، به‌جزوه تقریرات این درس در دانشکده علوم اجتماعی مراجعه شود.

بعلت عادی و معمولی بودن و یا به اصطلاح «غیر مهم» بودن آنها ذکر می‌نماید. می‌توان بوسیله این اسناد نامه‌ها مورد مطالعه و تحقیق قرار داد. اگر نامه مفصلی که در سال ۱۲۹۴ هجری متولی باشی آستانه قدس رضوی (ظاهراً پسر بزرگ میرزا سعید خان مؤتمن‌الملک) به عمه‌زاده‌اش میرزا علیخان در تمشیت اداره منزل (اندرونی) و (بیرونی) و اداره املاک و قنوات نوشته بدست نمی‌آمد، بسا مسأله و جریان و نسق که بقول نویسنده نامه از «ضروریات» و در «شان بزرگان» است شاید مکتوم می‌ماند. ۲. مثلاً در این نامه برای تنبیه خدمه منزل دستور می‌دهد که: «کنیز و کلفت از روی دیوار با زنهای خانه همسایه ابدأ کاری، صحبتی، دوستی و اختلاطی ندارند و اگر آنطور چیزها مسموع شود با باقا پوچی... مأذون است چوب و جوال بیاورد و پوست از سرشان بکند والا میرزا علیخان باید پوست از سر خود بابا بکند...» ۳. و در جای دیگر از این نامه درباره آبدارخانه و قهوه‌خانه منزل گوسزد می‌نماید که: «اسباب از قبیل سماور، زیرسماور، پیاله، نعلبکی، اسباب دیگر چای، سوزنی پای سماور، قاشق، صافی، قندان، لاله فلزی، سرقلیان چینی، سرقلیان فیروزه، آفتابه لنگن، اسباب قهوه‌خوری، روی فرش، فرش، پرده، کاسه بشقاب، آبخوری، سفره چرمی، سفره چیت، ظروف کارخانه، مسینه‌آلات کارخانه و غیره بالتمام بقدر ضرورت موافق کتابچه‌ای که همراه است تحویل گوهر باجی و قدری در بیرون تحویل میرزا محمد علی شده است، باید از شأن مجلس و منزل من ذره‌ای کاسته نشود» ۴.

نمونه این اسناد و مدارک خصوصی و نیمه خصوصی که مستقیم و غیر مستقیم حاوی سنن و فرهنگ اجتماعی گذشته می‌باشد فراوان‌تر از این است که با ذکر یک یا دو نمونه حق مطلب ادا گردد. در این مقوله بذکر یکی از این نمونه‌ها یعنی «وقف‌نامه گنجعلیخان» می‌پردازیم که قریب به چهارصد سال پیش نوشته شده و اخیراً چاپ دوم آن با حواشی و توضیحات منتشر شده.<sup>۶</sup>

این وقف‌نامه که گویا «طوماری هفده متری»<sup>۷</sup> است و در اوایل قرن یازدهم

۲- این سند یا سفارش‌نامه خصوصی و محرمانه که دارای فصول متعددی در زمینه کشت و زرع، حراست محصول مواظبت از حیف و میلشدن اموال، اداره معاش و رفت و آمد افراد خانواده و خدمه و مسایل فراوان دیگر است و کتابچه ۴۰ صفحه‌ایست در شماره ۱ دوره ۲ مجله «نامه علوم اجتماعی» بهار ۱۳۵۵، نشریه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، بکوشش خانم دکتر همانا تق چاپ شده است صفحه ۵۵ تا ۵۹.

۳- مأخذ قبلی صفحه ۴۲.

۴- مأخذ قبلی صفحه ۴۷ و ۴۸.

۵- تعدادی از این اسناد در مجله آینده، بکوشش آقای ایرج افشار که گویا گنجینه‌ای از این گونه مدارک دارد چاپ شده و امید است که ادامه یابد.

۶- کتاب گنجعلیخان، تالیف دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی انتشارات اساطیر، چاپ دوم ۷- «... این‌که در روایات مردم کرمان گفته می‌شد که وقف‌نامه گنجعلیخان هفده ذرع طول داشته، حرف درستی است، زیرا هم‌اکنون که من به اصل قبالبجات او دست‌یافتام، قریب هزار و دویست سانتیمتر آن در دست بنده است که خودش می‌شود دوازده متر و البته پنج متر دیگر آن متأسفانه از دست رفته است» صفحه ۱۵۸ مأخذ قبلی.

هجری قمری ( ۱۰۲۴ هـ. ق مطابق ۱۶۱۴ میلادی) تحریر یافته، علاوه بر سندیت اجرای مفاد وقفنامه می‌تواند، همانطور که مؤلف کتاب نیز بحق یادآور شده<sup>۸</sup> در زمینه‌های مختلف مورد مطالعه قرار گرفته و منبع تحقیق باشد. و این زمینه‌های مختلف رامی‌توان بشرح زیر دسته‌بندی نمود.

۱- از نظر شکل: شیوه خط و خوش‌نویسی (نسخ، نستعلیق، شکسته، درشت‌نویسی عناوین)، حواشی، مفهوم و اهمیت حاشیه‌نویسی، سلسله مراتب نام و مهر و امضای مشهود، اصطلاحات و کلمات عربی در مجموعه متن فارسی و...<sup>۹</sup>

۲- از نظر موضوعی: الف. مطالعه مشاغل و پیشه‌ها که بمناسبت خرید دکانین در سند ذکر گردیده که علی‌القاعده جوابگوی نیازمندیهای ساکنین محله بوده می‌تواند زمینه‌ای را برای شناخت تولیدات، نیازها و پیشه‌وران بازار کرمان بدست دهد. مساله‌ای که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت.

ب. قیمت خانه‌ها، قالبیافخانه‌ها و انواع دکانها که با دقت بیان شده می‌تواند مشخص‌کننده ارزش و موفقیت اجتماعی حرفه‌ها و مکانها باشد (هرچند که وسعت اماکن مشخص نشده).

ج. نبودن نام خانوادگی (باشماره شناسنامه که امروز معرف شخص است) و شکل تعیین هویت اشخاص ایجاب می‌نموده که افراد با ذکر شغلشان مشخص گردند مثلاً: «خانه انتقال استاد حسین سبزی فروش ولد استاد محمد چارق‌دوز مشهور به‌خانه استاد بلبل نجار به ثمن مبلغ يك تومان شاهی<sup>۱۰</sup>».

د. نبودن شماره گزاریها و اوراق ثبتی و شاید عوامل دیگر ایجاب می‌کرده که دکانها و خانه‌ها و باغات به نام شخص (حتی اگر متعلق به او نباشد مانند خانه استاد بلبل در سطور بالا) یا نوع مصالح، یا نوع میوه یا نقش و وظیفه‌ای که انجام می‌داد. مشهور و معروف گردد و بصورت اسم علم برای آن مکان درآید، و دراین وقفنامه کمتر باغ یا خانه یا دکانی ذکر می‌گردد که بدین نحو مشخص نشده باشد و می‌تواند موضوع مطالعه‌ای در تهیه شناسنامه این نوع شهرت‌ها (که مطمئناً پایه نبوده) باشد. مثلاً «... باغ انجیرستان مشهور به باغ‌سخت‌وام (دارای زمین سخت) محدود به باغ سفیدار متعلق به علی لکور و باغ چغونگ‌گیری (گنجشک‌گیری) متعلق به مولانا برهان و باغ خواجه عبدالعلی متعلق به رفعت افتخار احسنا بالتمام<sup>۱۱</sup>».

هـ - خصوصیت قنوات و «طاق بندیها» و «طبقه بندیها» و «مدار آب» که در

۸- مهمترین بهره‌ای که از جهت تاریخ اجتماعی شهر کرمان از این سند بدست می‌آید کیفیت مشاغل و نوع کار و بافت‌کارگری شهر کرمان در چهارصدسال پیش است، صفحه ۱۷۲ کتاب گنج‌ملیخان.

۹- در این زمینه بمقاله «تحلیل يك سند سنتی» از نویسنده این مقاله در مجله «هنرمردم» خرداد ماه سال ۱۳۵۱ مراجعه شود.

۱۰- صفحه ۱۷۱ کتاب گنج‌ملیخان.

۱۱- صفحه ۲۷۵ همان کتاب.

رقیات موقوفه آمده می‌تواند منبعی ارزنده برای مطالعه تغییرات و تکمیل تحقیقات درباره قنوات و روستاهای استان کرمان باشد.

۳- از نظر جامعه شناختی سیاسی: بین‌القاب و لحن حاکم خریدار (یا خریدار حاکم) در سلسله مراتب قبایله‌ها و کثرت رقعات و خانه‌ها و دکاکین و به‌تفصیل در وقفنامه آمده می‌تواند در تکمیل مطالعه نظام اجتماعی - سیاسی مالکیت در دوره صفویه و مطالعه اینکه گنجعلی‌بیگ (وی از مرشد قلیخان استاجلو لقب خانی گرفت) ۱۲ که در ۱۰۰۵ ه. ق حاکم کرمان شد چگونه در کمتر از ۲۰ سال دارای چنین ثروت سرشاری گردید و آیا این موقوفات چه مقدار از ثروت وی را تشکیل می‌داده و بالاخره چه عامل یا عواملی (سیاسی - عقیدتی - اجتماعی - خانوادگی...) باعث این امر گردید، منبع ارزنده‌ای باشد.<sup>۱۲</sup>

بدیهی است تحلیل جامعه شناختی سیاسی هرچه باشد (که البته قابل توجه است) مانع قدردانی ما کرمانیها از این عمل خیر که هنوز اثرات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی آن پابرجاست نمی‌باشد.



### وضعیت بازار و پیشه‌وران

مطالعه بازار، پیشه‌وران، صاحبان حرف دوره صفویه کرمان را مسلماً نمی‌توان به آنچه در این وقفنامه آمده محدود کرد. کرمان دارای بازارهای متعدد و بارونقی بوده و هنوز هم بعضی از آنها که از شر بلاهای ارضی (چون زلزله و تخریب برای احداث و تعریض خیابان مستقیم) در امان مانده بی‌رونق نیست.

مجموعه دکانهایی که بروایت وقفنامه در بازار محمودی و بازار پای آئینه و بازار زرگران خریداری و تخریب شده (غیر از خانه‌ها و قالیبافخانه‌ها) شامل ۶۰ باب بوده که بجای آنها حمام و میدان و دکانها بنا گردیده است.

«... در میدان بلده کرمان دکانها و دکانچه‌ها و خانها (خانه‌ها) و قطعات اراضی حوالی میدان از مالکان خریداری نموده و ابنیه خانها و دکانها را منهدم و هموار

۱۲- «قرار بود بنستور شاه اسماعیل دوم، عباس میرزا هم مثل سایر شاهزادگان بقتل برسند اما در همانروز خبر مرگ شاه رسید (۹۸۵ ه) و علیقلی‌خان شاملو و مرشد قلیخان استاجلو و همین گنجعلی بیگ شاهزاده را حفظ کردند و بعدها او را بطرف پایتخت حرکت دادند در مشهد بود که مرشد قلیخان، لقب خانی به گنجعلی داد و او گنجعلیخان شد.» صفحه ۴۰ همان کتاب.

۱۳- ثروت حکام و وزراء را در وقفنامه‌ها و شاید فقط در وقفنامه‌ها می‌توان مورد مطالعه قرارداد. در این زمینه بنا بروقفنامه وزیر اعظم خواجه رشیدالدین (۶۴۸ ه - ۷۱۸ ه) وزیر غازان خان قسمتی از ثروت وی عبارت بود. املاکی در سوریه و یمن که وقف کعبه و اورشلیم شده. املاکی در سندان و هند که وقف خانقاه شهاب‌الدین عمر سهروردی شده، تعداد ۳۹۰۰۰ نخل وقف خیرات و میرات و بیست هزار ماکیان در دهات تبریز و سلطانیه و همدان، ده هزار غاز و ده هزار اردک و هزار راس گاو نر و هزار راس دراز گوش و... (نقل از کتاب مالک‌وزارغ صفحه ۱۹۸ و ۱۹۹) که از «مکاتیب رشیدی» آورده است.

ساخته محل آنرا حمام و بازار بناموده<sup>۱۴</sup>». «بازار اشمال دارد بر دکاکین و حجرات تحتانی و فوقانی و دکانچه و تخته‌گاه‌ها و فضای میان میدان و این دکاکین بر سه ضلع میدان واقع است.»

با توجه به مختصر بودن منبع در مورد پیشه‌وران بازار کرمان در دوره صفویه (که البته باید غنیمت شمرد) بناچار «جامعه آماری» مورد مطالعه را بازار و پیشه‌وران مسطور در وقفنامه قرار می‌دهیم.

## جدول شماره ۱

مجموعه ۶۰ دکان شامل پیشه‌های زیر را نشان می‌دهد

تعداد (باب)	شرح	تعداد (باب)	شرح	تعداد (باب)	شرح
۱	بنه فروشی	۱	پالان دوزی	۶	دکان زرگری
۱	کوزه فروشی	۱	سراجی	۲	مسگری
۱	یخ فروشی	۲	تکلتودوزی	۳	صفاری
۱	بریانگری	۱	علافی	۱	آهنگری
۱	کلیچه پزی	۱	شمشیر زنی	۱	کرباس فروشی
۲	طب‌اخنی	۱	تیرگری	۴	صبافی
۳	خبیازی	۵	عطاری	۱	بسمه‌چی گری
۱	حلوایی	۱	بقالی	۱	علاقه‌بندی
۱	کبابی	۱	خرده فروشی	۱	حلاجی
۱	پلاو پزی	۱	سوزنگری	۱	دلاکی
۱	قنادی	۱	کفاشی	۲	سرتراشی
		۱	بزازی	۲	عصاری
		۲	هیمه فروشی	۱	روغن‌گری

در این جدول نکات فراوانی را می‌توان یافت که با مقایسه با بازار امروز و با در نظر گرفتن تغییرات مشاغل و نیازمندیها و تأثیرات تکنولوژی قابل توجه است.

۱- در جدول یک دکان دلاکی و سه دکان سرتراشی مشاهده می‌شود، اگر این دو اصطلاح را مترادف ندانیم شاید کار دلاک چون علاوه بر سرتراشی، انجام خدمات دیگر چون ختنه و حجامت کردن و دندان کشیدن نیز بوده متفاوت ذکر گردیده و جالب توجه است که اصطلاحات «سلمانی» و «حلاق» که در اسناد دوره بعد رایج است در این

۱۴- صفحه ۹۵ کتاب گنجعلیخان.

۱۵- صفحه ۹۲ همان کتاب.

سند بکار نرفته.

ب - وسایل نقلیه زمان (چون اسب، الاغ و...) خدمات و مشاغل را چون پالان‌دوزی، سراجی، تکلتودوزی (عرق‌گیر و زین اسب دوزی) و علاقی ایجاب می‌نموده، این‌گونه مشاغل و خدمات تا پیدایش اتوموبیل رایج بود و امروز تقریباً متروک شده و جای خود را به‌مکانیکی، پنچرگیری، وسایل یدکی فروشی و پمپ بنزین داده و محل فروش نیز از بازار به‌خیابان منتقل گردیده<sup>۱۶</sup>.

ج - در جدول يك تختگاه کرباس‌فروشی و چهار دکان صباغی (رنگری) ملاحظه می‌گردد. کرباس تا شصت سال پیش لباس عامه مردم (رعیت) را اعم از زن و مرد و کوچک و بزرگ تشکیل می‌داد، و کرباس مورد نیاز برای استفاده لباس‌معمولا درخانه‌ها بافته می‌شد و نیازی به‌خرید از بازار نبود. بنابراین اگر در مجموعه‌دکانها فقط يك تختگاه<sup>۱۷</sup> بفروش کرباس اختصاص دارد امری طبیعی است. ولی کرباس سفید بندرت برای لباس مورد استفاده قرار می‌گرفت<sup>۱۸</sup> و معمولاً لباسهای کرباسی برنگ آبی (کمرنگ یا پررنگ) بود. در نتیجه دکان‌های رنگری فراوان وجود داشت و از مراکز پر مشتری و پرآمد و شد بازار بود. و چون همه مردم الزاماً سروکارشان بدکان رنگری می‌افتاد، شلوغی دکانهای رنگری، بدقولی‌کردن رنگرها و سرهم بندی‌کردن کارهای مشتریان ضرب‌المثل شده و به دویستی‌های محلی نیز سرایت کرده‌است.

دکان رنگری خالی همیشه قبای یار من آبی همیشه  
الهی رنگر رنگت بجوشه خودم رنگر شوم یارم به پوشه  
بسمه‌چی گری، علاقه‌بندی، نقش و نگار و زردوزی‌های روی پارچه نیز ازجمله صنایع دستی و پیشه‌هایی است که متروک‌گردیده و جای خود را به‌نقش و نگار توسط ماشین‌های دوزندگی و چرخ‌های گلدوزی داده.

د - در مجموعه در دکان مسگری و سه صفاری (رویگری) ملاحظه می‌شود که بایستی علی‌القاعده این دکانها بیرون از بازار مسگری و غیراز مجموعه دکانهای مسگری بازار کرمان بوده باشد، چه بعلت رواج ظروف مسین<sup>۱۹</sup> غالباً بازاری به‌این کار اختصاص داشت و دارد. امروز نیز در مجموعه گنجعلیخان دو بازارچه به مسگری

۱۶- ورود اتوموبیل ایجاد خیابانهای عریض و مستقیم علاوه بر تخریب و تغییر بافت محله‌ها دکانها را نیز از بازار (فضای سرپوشیده) به‌خیابان کشانید.

۱۷- در اصطلاح کرمانیها فضای مسطح و برآمده از زمین است که در باغ و خانه برای نشستن و استراحت‌کردن است و در بازار و میدان و جلو دکان برای نشستن و اختلاط‌کردن و یا مکانی برای عرضه‌کردن موقتی کالاها<sup>۱۸</sup> که حجم زیاد دارد و نسبتاً ارزان قیمت است.

۱۸- کرباس سفید چادر زنان خانواده‌های بی‌بضاعت و پیراهن و شلوار طلاب را تشکیل می‌داد و در هر حال نشانه فقر بود و نیز زرتشتیان که اجباراً می‌بایستی لباس سفید بپوشند از آن استفاده می‌کردند.

۱۹- هنوز هم در بعضی از شهرها چون یزد و بالاخص بین زرتشتیان اصطلاح ظرف برای ظروف مسین بکار می‌رود.

اختصاص دارد. سرو صدای بازار مسگری، شاگرد مسگرها، جوانمردی مسگران و ظروف مس در فولکلور و ادبیات فارسی نیز برای خود جایی باز کرده است.

بعارض بچه مسگر نشسته گردزغال فغان مس بفلک میرود که ماه گرفته  
 ه - اقدامات رفاهی و بهداشتی و تکنیکی چون لوله‌کشی آب و برق و گاز و وجود وسایل ماشینی، کار بعضی از پیشه‌ها را چون هیمنه‌فروشی، یخ‌فروشی، کوزه‌فروشی، عصاره‌ی، آسیادستی، حلاجی و شماعی را از رونق انداخت.

و - در بعضی از پیشه‌ها چون عطاری، خرده‌فروشی، بقالی، سبزی‌فروشی تغییرات اندک، و اگر باشد در جای‌گزینی بعضی از مواد است (مثلاً پستی‌کولا بجای سکنجبین، سیگار بجای تنباکو و گوجه‌فرنگی بجای...) که خود موضوع مطالعه دیگری است.

ز - پیشه‌هایی چون کبابی، پلاوپی، طبخی، کلیچه‌پزی، قنادی، حلوایی و نانوائی اگر تغییر کیفی آن اندک باشد در عوض کمیت دکانها برای پختن نان و غذا و شیرینی بیشتر شده است و این امر بعلت اشتغال زنان در خارج از منزل و محدود شدن امکانات آشپزی در خانه و عوامل دیگر می‌تواند باشد.<sup>۲۵</sup>

ح - در مورد پیشه‌هایی چون شمشیرگری و تیرگری که در چهارصد سال پیش رواج داشت باید گفت که امروز کارخانه‌های اسلحه‌سازی، پیشرفت‌های تکنولوژی ماشینی جدید و اختراعاتی که بقول ملك‌الشعراي بهار:

رونده تانک، همچو کوه آتشین	هزار گوش کر کند صدای او
همی خزد چو ازدها و درچنگد	بهر دلی شرنک جانگرای او
چو پر بگسترد عقاب آهنین	شکار اوست شهر و روستای او
هزار بیضه هردمی فروهد	اجل دوان چو جوجه از قفای او

که متأسفانه بلیات و ضایعات کاربرد آنها را در این جنگی که بر ما تحمیل شده عمیقاً لمس می‌کنیم، دیگر رونق و کارآیی برای دکان شمشیرگری بازار کرمان باقی نگذاشته است.

ط - و بالاخره دکانها غیر از سبزی‌فروشی، کوزه‌فروشی، هیمنه‌فروشی، کرباس‌فروشی و خرده‌فروشی (شغل‌هایی که به «فروشی» ختم میشود) پیشه‌وران آن خود سازنده، صنعتگر، استادکار و درعین حال فروشنده بوده‌اند و هنوز هم ملاحظه می‌شود که در بعضی از حرفه‌ها چون زرگری و مسگری تولیدکننده و فروشنده یکی است و نیز بین کارگاه تولیدی و بازار فروش کالا فاصله نیست در صورتی که بازارهای امروز منحصرأ محل فروش و عرضه‌کردن کالا است و ممکن است بین بازار و کارگاه و استادکاران فرسنگها فاصله وجود داشته باشد.

ی - در وقف‌نامه، شغل‌ها، و عبارت دیگر نسبت‌های شغلی که معرف افرادند

۲۵- میتوان زشت قلمداد شدن خریدار بازار را عاملی دیگر دانست، در کرمان تا سی سال پیش (مشتریان) نانوائی و کبابی را مسافرن و غیر محلی‌ها تشکیل میدادند. این سنت هنوز هم کاملاً منسوخ نشده.

و بجای نام خانوادگی امروز بکار می‌روند (مقدار زیادی از نام های خانوادگی از همین شغلها گرفته شده‌اند) کم نیست و هرچاکه فردی با ذکر شغلش دروقفنامه مشخص نشده الزاماً نام پدرش ذکر گردیده.

اکنون که سخن از پیشه‌هاست بی‌مناسبت نخواهد بود که صفت‌های شغلی که در وقفنامه آمده (بعضی از آنها ارتباطی بی‌بازار نیز ندارند) ذکر گردد.

ارده‌گر، روغن‌گر، کبابی، طبخ، پلاویز، حلوایی، قناد، بقال، بزاز، خباز، قصاب، صابونی، صابون‌پز، دلاک، سرتراش، قاطرچی، قالبیاف، صحاف، سوزن‌گر، زرگر، مشعل‌دار، شماع، مهتر، زعیم، طیان (بنا، گل‌کار). کفاش، تیرگر، سیاف، سراج، نقاش، حلاج، علاقه‌بند، نایگر، فخار (کوزه‌گر). پالان دوز، صفار، حداد، حناط (هیزم فروش). صباغ.

البته نحوه تعیین و مشخصات اختصاص باین وقفنامه و شهر کرمان ندارد قبل از ایجاد شناسنامه و رواج نام خانوادگی در غالب نقاط ایران چنین مرسوم بود که خود موضوع بحث جداگانه است.



### بازار گنجعلیخان در حال حاضر

علاوه بر مجموعه گنجعلیخان که شامل بازار و حمام و کاروانسرا و ضرابخانه و مسجد و آب انبار و میدان است و ما در این مقوله بدیهانه و وقفنامه به تحلیل بازار آن — آنهم بازاری که گنجعلیخان خراب کرده نه بازاری که ساخته است — پرداختیم، در حال حاضر مجموعه‌ها و بازارهای فراوان دیگری در کرمان هست که چه قبل از گنجعلیخان و چه بعد از او ساخته شده و بیش و کم رونق، اعتبار و بافت سنتی شهر را حفظ کرده است و هر کدام می‌تواند موضوع تحقیقی جداگانه باشد.

درباره بازار کرمان، خصوصاً راسته‌بازار (شامل بازار سراجی، بازار گنجعلیخان، بازار اختیاری، بازار وکیل و بازار مظفری) تحقیقی تحت عنوان «موقعیت اجتماعی و اقتصادی بازار کرمان» انجام گرفته<sup>۲۱</sup>. براساس این تحقیق بازارها و بازارچه‌های کرمان علاوه بر راسته‌بازار عبارت است از: بازار مسگری، بازار لحاف‌دوزی، بازار کلامالی و کفاشی، بازار حاجی آقا علی. بازار آهنگری، بازار زرگری، بازار میدان قلعه، بازارچه امام جمعه، بازار شاه، بازار ته باغ‌لله، بازار عزیز، بازار قدمگاه، بازار شتر، بازار مسجد ملک و چهارسوق کهنه.

در این مطالعه که در سال ۱۳۵۱ انجام پذیرفته پیشه‌ها و دکانها بازار گنجعلیخان (تنها یک ضلع میدان) بدین شرح است.

۲۱- این تحقیق در سال ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ توسط آقای علی فدایی بعنوان پایان‌نامه لیسانس در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران زیر نظر اینجانب تهیه شده و امیداست که بتوان آنرا چاپ و منتشر کرد.



## جدول شماره ۲

## فهرست دکانهای بازار گنجعلیخان در سال ۱۳۵۱

تعداد باب	شرح	تعداد باب	شرح	تعداد باب	شرح
۱	دکان وسایل آشپزخانه فروشی	۲	دکان رادیو فروشی	۵	دکان خرازی
۱	لوازم الکتریکی فروشی	۲	کلاه‌دوزی و کلاه فروشی	۴	» بزازی
۱	چینی فروشی	۲	کتاب فروشی	۲	» قصابی
۱	سیگار فروشی	۱	دکان قنادی	۲	» بقالی
		۱	» عطاری	۲	» لوکس فروشی
		۱	» کفاشی	۲	» زرگری
		۱	» نانوايي	۲	» برنج فروشی
		۱	» زیلو فروشی		

و نیز دارای ۴ شعبه بانک صادرات، ملی، پارس و اعتبارات تعاونی و توزیع است.

با آندک توجهی به تغییر ها و تفاوت‌های در جدول (با فاصله زمانی ۳۸۵ سال) و با توجه به تغییرات تکنیکی، فنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که صورت گرفته می‌توان سیر تطوری مجموعه، محله، شهر و بالاخره استان کرمان را دقیق‌تر و بهتر شناخت.

وقف‌نامه گنجعلیخان، همانطور که کراراً متذکر شدیم منبعی است که دکانها و پیشه‌های قسمتی از بازار کرمان را در گذشته معرفی مینماید. بدیهی است برای مطالعه جنبه‌های مختلف بازار (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و...) نمی‌توان فقط بداشتن فهرست انواع پیشه‌ها بسنده کرد، زیرا سنتی فقط شکل صوری مکانی سرپوشیده با مجموعه‌ای از دکانین و پیشه‌ها نیست، بلکه شاهرگ حیات اجتماعی شهر است که بمیدان‌ها، مساجد، کاروانسراها، مدارس، داروغه‌خانه و... مرتبط است و علاوه بر خرید و فروش محلی است برای گردش کسب خبر، نمایش مد، نمایش قدرت، هنر نمایی، زور آزمایی، نقالی، معرکه‌گیری و... که جهت شناخت این جنبه‌های مختلف، در گذشته بایستی به کتب تاریخی، ادبی - اجتماعی، سفرنامه‌ها و خاطرات مراجعه کرد. ۲۲.

\*\*\*

۲۲ - صفحه ۳۶ و ۳۷ مأخذ قبل.

۲۳ - بمنوان نمونه در سفرنامه اورسل که یکصد سال پیش نوشته (۱۸۸۲) شده می‌توان خصوصیات بازار تهران را ملاحظه نمود. سفرنامه اورسل از ارنست اورسل ترجمه علی‌اصغر سعیدی، انتشارات زوار تهران، ۱۳۵۳ صفحه ۱۲۵ تا ۱۴۲.